

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۰

آینده جهان اسلام از منظر دو آینده پژوه مسلمان: «سردار» و «المانجرا»

غلامرضا بهروزلک*
فرزانه میرشاه ولایتی**

چکیده

«آینده» در دین مبین اسلام، واژه‌ای جامع و عمیق است که هم به زندگی دنیوی و هم به زندگی اخروی اشاره دارد. از جمله دلایل اهمیت توجه به فرهنگ دینی در مباحث آینده پژوهی، می‌تواند درک بهتر ارزش‌های آینده‌مدار فرهنگ دینی باشد. موج جدید نگاه به آینده در محافل علمی از یک سو و تأکید فراوان اسلام بر ضرورت عاقبت اندیشی و آینده‌نگری از دیگر سو، بیش از پیش این سؤال را تقویت می‌کند که تفکر اسلامی چگونه و در چه مباحثی، نگاه آینده پژوه مسلمان را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد؟ تلاش این پژوهش، تحلیل افکار و آرای دو آینده پژوه مسلمان معاصر، «ضیاءالدین سردار» و «مهدی المانجرا» است که آثار آن‌ها در حوزه آینده پژوهی در سطح بین‌المللی شناخته شده و صاحب نظران به آن‌ها توجه دارند. در این مقاله، ابتدا درباره آثار کلیدی و پیشینه این دو اندیشه‌ورز بحث می‌شود تا به این وسیله، فضای فکری آن‌ها بهتر درک گردد. در ادامه، به مطالعه جنبه‌های مختلف افکار آینده پژوهانه این دو صاحب نظر به صورت مقایسه‌ای و انتقادی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

آینده پژوهی اسلامی، آینده جهان اسلام، ضیاءالدین سردار، مهدی المانجرا.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (behroozlak@gmail.com)
** دانشجوی دکتری آینده پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع.ج.)

مسلمانان علی‌رغم پیشرفت‌ها و تأثیرات تمدنی عمیقی که طی چند قرن در جهان داشته‌اند، در سده‌های اخیر با مشکلات و موانع زیادی مواجه بوده‌اند و اکنون شاید عرصه بر آنان تنگ‌تر هم شده باشد؛ زیرا امروز بسیاری از مسلمانان (فلسطینیان، عراقی‌ها و افغان‌ها) سرزمین خود را اشغال شده می‌بینند و غرب قدرت اقتصادی و سیاسی خود را بر آنان تحمیل نموده و از آن مهم‌تر، فرآیند جهانی‌سازی و به تعبیر بسیاری، استعمار نوین، آن‌ها را قربانی خویش کرده است. شاید موج بیداری اسلامی اخیر در منطقه خاورمیانه را بتوان واکنشی به این فشارهای تاریخی دانست.

آینده‌پژوهی از سویی، حوزه جدید مطالعاتی در دوران فراروشن‌فکری دنیای غرب است که می‌کوشد آینده محتمل، ممکن و مطلوب بشر را دستمایه مطالعه خویش قرار دهد. با این حال، مطالعه آینده تنها مختص دنیای غرب نبوده و به نوعی تمامی جوامع و تمدن‌ها، نسخه‌ای مخصوص به خود از آینده دارند. اسلام نیز به عنوان یک تمدن بزرگ، رویکرد خاصی به آینده دارد و بهترین مصداق پرداختن اسلام را به آینده، همچون دیگر ادیان ابراهیمی، در فرجام‌گرایی مهدوی می‌توان دید.

با توجه به مشکلات امروز مسلمانان، قابلیت‌ها و ضرورت آینده‌پژوهی در آینده آموزه‌های اسلامی، مسئله این پژوهش است و دغدغه‌ای که ضرورت انجام دادن آن را توجیه می‌کند، بررسی این مسئله است که متفکر آینده‌پژوه مسلمان، چه تأثیری از مبانی اسلامی می‌پذیرد و این درس‌ها را چگونه در ترسیم آینده‌ای بهتر برای دنیای اسلام به کار می‌بندد.

در این نوشتار، بر مقایسه و تطبیق بین دیدگاه‌های دو آینده‌پژوه مسلمان تمرکز خواهیم کرد. مطالعات تطبیقی در تمامی علوم، جایگاه مهمی دارند. علوم اجتماعی جدید از همان ابتدا، رویکرد تطبیقی را به مثابه مهم‌ترین روش برای فهم فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی گوناگون به کار برد. در پژوهش تطبیقی، به نوعی تمرکز بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان واحدهاست و از آن مهم‌تر، مقایسه برای فهم و درک موضوع مورد بررسی، جنبه‌ای اساسی دارد (سیدامامی، ۱۳۸۷). از سویی، مطالعه تطبیقی یکی از روش‌های پژوهش کمی و کیفی است که با هدف توصیف و تبیین اشتراک‌ها و تفاوت‌ها، برای شناسایی پدیده‌ها و رسیدن به تفسیرها و احتمالاً تعمیم‌های تازه، دو یا چند متغیر یا فرآیند همگون اعم از نمونه‌ها و موارد محسوس یا نامحسوس را بررسی می‌کند. این نوع پژوهش دربرگیرنده سه فرآیند توصیف، مقایسه و نتیجه‌گیری است (کریشن، ۱۳۸۲). از دیدگاه برخی، مراحل شش‌گانه مطالعه

تطبیقی عبارتند از: تدوین مسئله، تعیین دامنه پژوهش، تدوین فرضیه، بررسی موارد شباهت و تفاوت، توصیف مواضع خلاف و وفاق، و تبیین مواضع خلاف و وفاق (قراملکی، ۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی در مجموع، فرآیندی بیش از مقایسه صرف به شمار می‌آید و به عبارت دیگر، در پژوهش تطبیقی، مقایسه نه به عنوان هدف، بلکه ابزاری برای دست‌یابی به شناخت عمیق‌تر و فهم ژرف‌تر است. پژوهش‌گر در مطالعه تطبیقی، هم باید به شباهت‌ها چشم بدوزد و هم تفاوت‌ها را صید کند و در عین حال وظیفه او تنها جمع‌آوری شباهت‌ها و تفاوت‌ها نیست؛ بلکه اطلاعاتی است که در فرآیند پردازش اطلاعات، به تولید علم و یا حل مسئله می‌انجامند (همو، ۱۳۸۵).

۱. بررسی افکار و اندیشه‌های ضیاءالدین سردار

الف) مروری بر زندگی و آثار سردار

ضیاءالدین سردار در ۳۱ اکتبر ۱۹۵۱، در دورانی پرچالش و در روستایی دورافتاده در ایالت پنجاب به نام دیپالپور^۱ واقع در شمال پاکستان به دنیا آمد. به گفته خود او، روستای محل تولدش در آن زمان منطقه‌ای مورد اختلاف بود. تلاش‌های زیادی برای ایجاد مرزهای جدید و تجزیه منطقه‌ای صورت گرفت تا منطقه‌ای یکپارچه تجزیه شود. در این زمان، پدر سردار به استخدام بریتانیا - همان دولتی که خود از جمله مسببان این تفرقه بود - درآمد. او همسر و سه فرزند خود را رها کرد و به جرگه کارگرانی پیوست که برای بازسازی اقتصاد پس از جنگ بریتانیا به کار گماشته شده بودند. پیش از آن که پدر، خانواده را به نزد خود در بریتانیا فراخواند، توانست موقعیت کاری خود را در کارخانه خودرو تثبیت نماید و واحد مسکونی کوچکی در یکی از محله‌های مخروبه دست‌وپا کند. به این ترتیب، بار دیگر سردار مجبور شد فرآیند بازیابی هویت خود را تکرار نماید (Sardar, 2004).

به گفته خود سردار، «مسلمان شدن و مسلمان بودن، شکل دادن به هویت، موضوع چالش‌انگیزی بود که چه در زمان زندگی در لندن و چه در سرزمین مادری، ذهن را به خود مشغول می‌داشت» (Sardar, 2004: 22). اما او خیلی زود، قوانین اصلی بازی جدید تداوم بقا را فراگرفت. خانواده سردار رسم مشاعره را در خانه خود زنده نگه‌داشته بودند و این امر، روحیه ادبیات‌دوستی را در خانواده حاکم کرده بود. همه این عوامل دست در دست، شخصیت سردار را شکل داد و از او انسانی ساخت که از یک سو به لحاظ جغرافیایی، متعلق به بریتانیا و از سوی

1. Divalpur

دیگر به لحاظ خاستگاه، فرهنگ، سنت و اعتقاد، متعلق به آسیا، پاکستان و مسلمانان باشد؛ به طوری که خود می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند به راحتی هویت مشخصی برای من قائل شود. شخصیت من ابعاد متفاوتی دارد و با وجود این، من هیچ‌کدام از آن‌ها نیستم. من در پاکستان به دنیا آمده‌ام، اما اگر هم‌وطنانم بخواهند بیش از حد بر پاکستانی بودن من تأکید کنند، حرف خود را پس خواهم گرفت. با این حال، عاشق فرهنگ پاکستان هستم و هنوز لهجه پاکستانی دارم. هرچند این موضوع، فعالیت‌های شغلی مرا به عنوان شخصیتی تلویزیونی با مشکلاتی روبه‌رو کرده است، به آن افتخار می‌کنم. من بیش‌تر عمرم را در انگلستان گذرانده‌ام، اما انگلیسی نیستم. با این‌که در انگلستان درس خوانده‌ام، برای مؤسسه‌ها و سازمان‌های انگلیسی کار کرده‌ام و سی سال به حزب کارگر رأی داده‌ام، هنوز در این کشور "خارجی" محسوب می‌شوم و اگر دولت انگلستان روش خود را تغییر ندهد، تا ابد "خارجی" باقی خواهم ماند.» بدین‌سان به دلیل تجربه شخصی و کشمکش‌هایی که همواره بخش از زندگی سردار بوده، تفکر درباره آینده همواره دغدغه ذهنی او بوده است.

در دوران نوجوانی، وی انجمنی اسلامی در دبیرستان محل تحصیل یعنی «مدرن بروک‌هوس^۱» بنیان نهاد که موجب ارتباط او با فدراسیون انجمن اسلامی دانش‌آموزان در بریتانیا و ایرلند^۲ شد (Sardar, 2004). به این ترتیب، فعالیت‌های او در زمینه موضوعات و اتفاقات مهم مربوط به مسلمانان، گسترش یافت و در نتیجه، به مشکلات مسلمانان اشراف فراوان یافت. این جریان مقارن بود با اتفاقات مهم دهه ۱۹۷۰ میلادی در دنیای اسلام اعم از رهایی یافتن بسیاری از کشورهای مسلمان از بند استعمار و به تبع آن، طراحی برنامه‌های توسعه‌ای توسط دولت‌های مسلمان و در پی آن ناکامی‌های متوالی که این مسئله، تأثیر مهمی روی اعتقادات فکری سردار گذاشت.

سردار در «سیتی یونیورسیتی»^۳ لندن در رشته فیزیک و علوم اطلاعات به تحصیل پرداخت. هرچند او در رشته‌ای به ظاهر غیردینی درس خواند، همچون جوینده‌ای، تشنه حقیقت مذهب خویش بود که همین امر او را به مسافرت در کشورهای اسلامی و آشنایی با جنبش‌های اسلامی رهنمون کرد. پس از فراغت از تحصیل، به عنوان کارشناس اطلاعات در پژوهشگاه حاج^۴ دانشگاه ملک عبدالعزیز جده مشغول به کار شد و مدل شبیه‌سازی شده انجام دادن

1. Brook House Secondary Modern School.
2. Federation of Students Islamic Society in the United Kingdom and Eire (FOSIS).
3. City.
4. Hajj.

فریضه حج را طراحی و اجرا کرد. او هم‌زمان چند کتاب نوشت و شب‌ها به عنوان روزنامه‌نگار فعالیت داشت. سپس دوباره به لندن مهاجرت کرد و با مجله‌های علمی مانند *نیچر*^۱ و *نیوسایتیست*^۲ همکاری نمود و بعد به عنوان گزارش‌گر، به تلویزیون پیوست. او پس از مدتی مشاور مجله *انیکوایری*^۳ شد و در همین دوران، مرکز مطالعات آینده‌پژوهی در دانشگاه «ایست - وست»^۴ شیکاگو را راه‌اندازی کرد. در خلال سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸، استاد مدعو رشته سیاست علم و فن آوری در دانشگاه «میدل اسکس»^۵ بود. از سال ۱۹۸۵ تاکنون به عنوان نویسنده و برنامه‌ریز مستقل، آثار متعدد و ارزنده‌ای منتشر کرده است. وی از سال ۱۹۹۹ تاکنون سردبیری نشریه *فیوچرز*^۶ را بر عهده دارد.

وی در عین حال، چندین سال به طور غیررسمی در مدارس اسلامی سنتی شاگردی کرد که همین موضوع او را به شدت با دانش اسلامی آشنا نمود (Sardar, 2004). به گفته خود سردار، «از آن‌جا که به اتفاق یکی از دوستان طلبه‌ام هفت سال علوم اسلامی خوانده‌ام، گاه از صمیم قلب خود را طلبه می‌دانم. هرچند فکر می‌کنم دانسته‌هایم از دانش آموختگان حوزه‌های علمیه کم‌تر نیست، هیچ‌کس مرا به عنوان یک طلبه نمی‌شناسد».

همه این اتفاقات، تأثیر شگرفی بر روحیات سردار گذاشت. از نگاه سردار، سنت، امری پویاست و نه چشم‌اندازی منسوخ و ایستا. به همین دلیل، او کاملاً مخالف کسانی است که همواره به گذشته با عینک تأسف می‌نگرند و چنین تأکید می‌کند که «من شباهتی به بیش‌تر مسلمانان ندارم. از نظر من، اسلام نه تنها یک مذهب است، بلکه نوعی جهان‌بینی مبتنی بر ماتریسی از ارزش‌ها و مفاهیم است. این ارزش‌ها، چارچوبی ارائه می‌دهد که از طریق آن، در جست‌وجوی پاسخ پرسش‌هایی هستیم که همواره در تعارض با تجارب من است... و کاری که می‌کنم، این است که همواره در تمامی آثار نظری و کاربردی آینده‌پژوهانه خود، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهم» (Sardar, 1996: 665).

سردار در عرصه بین‌المللی، به عنوان کارشناس علوم اسلامی و متفکر و نویسنده‌ای پیش‌گام درباره آینده اسلام در عصر حاضر شناخته شده است. او بیش از چهل کتاب، بالغ بر دویست مقاله ترویجی، مروری و پژوهشی منتشر کرده و با عنوان «از جمله مفاخر متفکر این

1. Nature.
2. New Scientist.
3. Inquiry.
4. East - West.
5. Middlesex.
6. Futures.

سیاره» وصف شده است.^۱ مهم‌ترین کتاب‌های او عبارتند از: *آینده تمدن اسلامی*^۲، *آینده پژوهی اسلامی: شکل فکری که می‌آید*^۳، *اطلاعات و دنیای اسلام*^۴، *اکتشافات در علوم اسلامی*^۵، *لمس میداس: علم، ارزش و محیط در اسلام و غرب*^۶، *انتقام از آتن: علم، اکتشاف و جهان سوم*^۷، *تخیلات منحرف: درس‌هایی از عشق‌بازی رشدی*^۸، *اغیار وحشی: اعلامیه‌ای علیه نژادپرستی غرب*^۹، *آینده پژوهی سایبری*^{۱۰}، *پسانوگرایی و اغیار*^{۱۱} و *سیاست شرقی*^{۱۲}. همچنین او کتاب‌هایی مقدماتی و عمومی نیز منتشر کرده است، از جمله: *آشنایی با محمد ﷺ آشنایی با مطالعات فرهنگی و آشنایی با آشوب و آشنایی با ریاضیات* (www.ziauddinsardar.com).

ب) موضوعات اصلی تفکرات سردار

از نگاه سهیل عنایت‌الله،^{۱۳} کانون تمرکز سردار در مباحث آینده پژوهی را می‌توان در سه حوزه اصلی آینده مسلمانان یا تمدن اسلامی، علوم اسلامی و رابطه اسلام و پسانوگرایی تقسیم‌بندی کرد. سردار به طور کلی، به موضوع آینده تمدن اسلامی با رویکردی تمدن‌گرایانه می‌نگرد، اما معتقد است که فرآیند اعاده و بازسازی را باید از منظر و روش‌شناسی آینده‌مدار پی‌گیری کرد. از طرف دیگر، موضوع علوم اسلامی را از این دیدگاه می‌نگرد که باید علوم اسلامی متمایزی به عنوان تمامیتی مجزا با پارادایم‌ها و جهان‌بینی خاص خود طراحی کنیم. بالأخره سردار به مسئله پسانوگرایی به عنوان موضوع تقابل اسلام و غرب می‌نگرد (Inayatullah, 1998: 1-30).

ج) آرمان‌گرایی آینده‌پژوهانه: بازسازی تمدن اسلامی

هنگامی که از سردار درباره آینده اسلام پرسش می‌شود، جواب می‌دهد: آینده اسلام، مانند آینده بیش‌تر فرهنگ‌ها، به روی احتمالات دموکراتیک و

1. www.ziauddinsardar.com/10/01/09

2. The Future of Muslim Civilization.

3. Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come.

4. Information and the Muslim World.

5. Explorations in Islamic Science.

6. The Touch of Midas: Science, Values and the Environment in Islam and the West:

منظور از میداس، افسانه‌ای است که براساس آن، پیرمردی آرزوی پادشاهی طمع را برآورده می‌کند و از آن پس، او به هر چیزی که دست می‌زند، به طلاتبدیل می‌شود. دختر کوچک و محبوب پادشاه نیز از این قاعده مستثنا نشده و به این ترتیب داستان خوشبختی دروغین و راز سعادت واقعی را بیان می‌کند.

7. The Revenge of Athena: Science, Exploitation and the Third World.

8. Distorted Imagination: Lessons from the Rushdie Affair.

9. Barbaric Other: A Manifesto on Western Racism.

10. Cyberfutures.

11. Postmodernism and the Other.

12. Orientalism.

13. Inayatullah.

کثرت‌گرایانه متعددی باز است. من خود در آثارم، تماماً به دنبال این بوده‌ام که آینده کثرت‌گرایانه و پایدار را برای جوامع اسلامی شکل دهم. اما باید اذعان کنم که مسلمانان، به طور کلی، در نگاه به آینده یا جست‌وجوی آینده بدیل و متعدد چندان خوب عمل نکرده‌اند. ما بیش‌تر مایلیم که غم گذشته پرافتخارمان را بخوریم و بیچارگی امروزمان را بر گردن قضا و قدر بیندازیم (www.dipna.ir).

سردار در کتابی با عنوان *آینده تمدن اسلامی*، معتقد است که تمدن اسلامی باید باقی بماند: اسلام ... مانند برکه‌ای را که، سرشار از منابع بالقوه است تا آن‌گاه که مسلمانان به آینده خود اهمیت دهند و برای رسیدن به آن تقلا کنند (Sardar, 1988: 11).

او تأکید می‌کند که مسلمانان در برابر آینده دو انتخاب دارند: می‌توانند بی‌هدف، آینده‌ای بسط‌یافته مبتنی بر توسعه خطی موقعیت مستعمراتی کنونی داشته باشند یا این‌که با برنامه‌ریزی، به آینده‌ای روشن‌تر دست یابند.

در این باره، مسلمانان باید با تغییر در نگرش خود به مذهبی که دارند، به برنامه‌ریزی و تلاش مجدانه برای تغییر مقدرات خویش اقدام نمایند. اگر آنان راه اول برخورد با آینده را برگزینند، هیچ تغییری در وضع آنان اتفاق نخواهد افتاد مگر آن هنگام که دچار تغییر شوند، ولی اگر راه دوم را برگزینند، باید به آینده اندیشند و از حالا برنامه‌ریزی را شروع کنند. در ادامه انتخاب راه دوم، تنها راه مناسب، آغاز فرآیند احیای ارزش‌های تمدنی خویش است و این مسئولیت باید بر دوش تمامی مسلمانان و از همه مهم‌تر بر عهده متفکران این امت باشد.

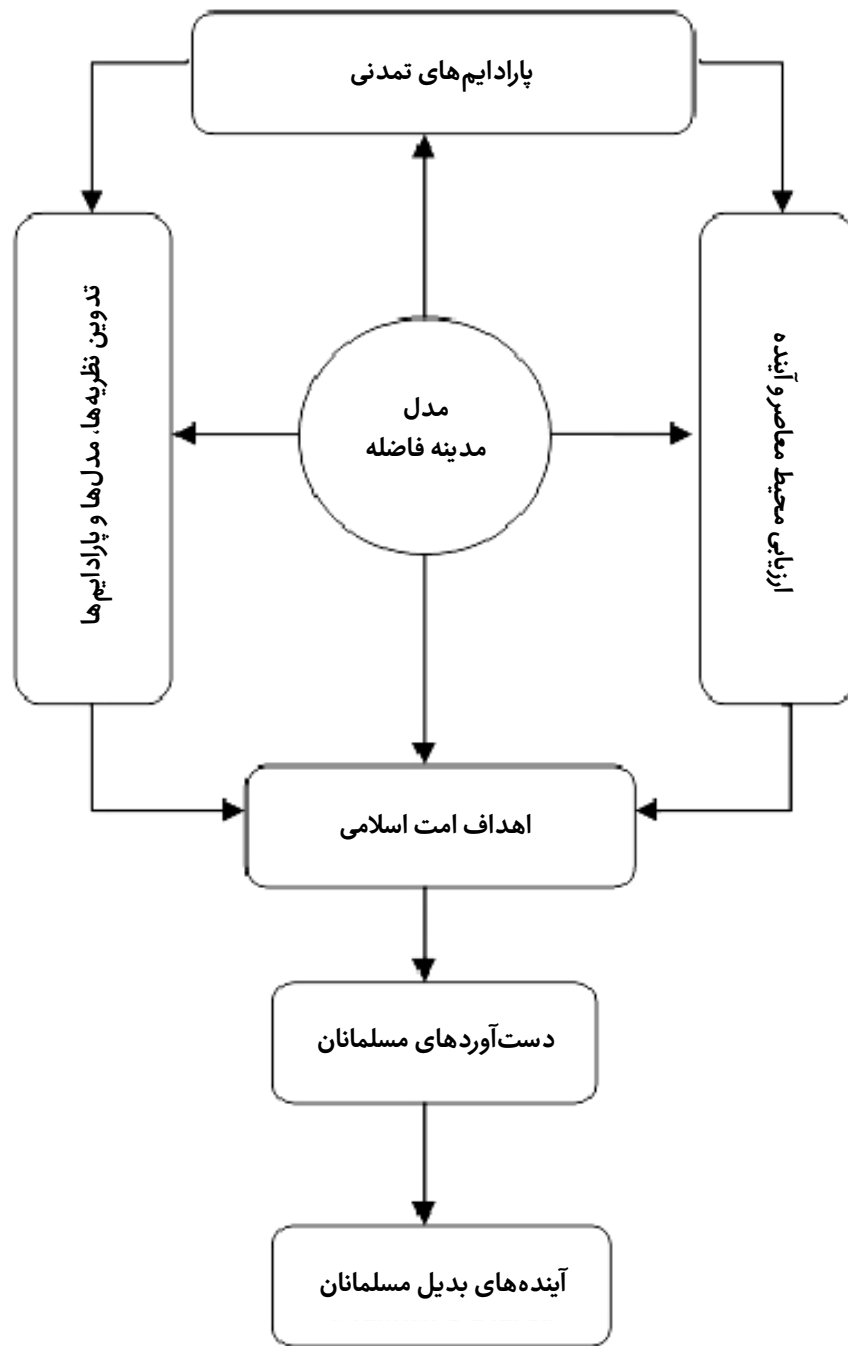
به زعم سردار، این آینده بدیل اسلامی باید از جهان‌بینی و قلمرو فرهنگی تمدن اسلامی استخراج شود. برای پاسخ به این نیاز، او برنامه‌ای با نام «طرح عمران»^۱ را به مثابه شاه‌نقشه‌ای معرفی می‌کند که دربرگیرنده راهبردهایی برای تحقق احیای تمدن اسلامی است. سردار واژه عمران را از ابن‌خلدون برای وصف تمدنی پویا، مترقی و کارآمد وام گرفته است (Sardar, 1988). شکل «۱» سرفصل‌های این طرح را نمایان می‌سازد. سردار این فرآیند را به این شرح توضیح می‌دهد:

۱. تعیین مدل مدینه فاضله؛

۲. احصای پارامترهای تمدن اسلامی؛

۳. خلق مدل‌ها، نظریه‌ها و پارادایم‌هایی مبتنی بر دو مرحله قبل؛

1. Project cUmrān.



شکل ۱: طرح سردار برای بازسازی تمدن اسلامی (Sardar, 1988)

۴. ارزیابی واقع‌گرایانه از محیط کنونی و برآورد محیط آینده ممکن؛

۵. احصای اهداف از امت اسلامی؛

۶. تدوین نقشه‌هایی برای رسیدن به مقصود و ارزیابی گزینه‌های محصول برای آینده؛

۷. بازنگری مستمر در بدیل‌های احصاشده ماحصل بندهای قبل

(Sardar, 1988: 133 - 134).

بر اساس این طرح، تمدن‌سازی با هدف خاص، «بازسازی حس تقدیر خودرقم‌زده‌ای است که به ما توانایی می‌دهد تا تصمیماتی بهتر بگیریم و استانداردهای عملکردی برای رسیدن به مدینه فاضله تعیین کنیم» (Sardar, 1988: 134). سردار می‌کوشد تا بازسازی و احیا را بر دوش «امت»، واژه‌ای وام‌گرفته از رسول اکرم ﷺ قرار دهد. البته سردار تأکید می‌کند که این طرح به لحاظ روش و ابزار، صددرصد و قطعی نیست و تنها نقشه‌ای مفهومی و برنامه‌هایی اجرایی برای آینده‌های بدیل مسلمانان ارائه می‌دهد (Sardar, 1985). وی آشکارا یادآور می‌شود که «برنامه‌ریزی، تدارک طرح‌های اولیه‌ای است که نباید صلب و فاقد انعطاف باشد. این برنامه‌ها را باید بتوان به‌طور مستمر ارزیابی، اصلاح و به‌روز نمود» (Sardar, 1988). بنابراین، طرح عمران، شمایی مفهومی در زمینه فرآیندهای برنامه‌ریزی و خلق آینده بدلیل برای مسلمانان است.

اسلام در آثار سردار گاهی به عنوان امری ماورای دسترس انسان معاصر است. بحث او درباره «روشنفکر مسلمان» و نیز «تلفیق‌های مختلف اسلامی» با لحنی تاریک پایان می‌یابد: ما اسلام را درک نمی‌کنیم. محققان، رهبران مذهبی، روشنفکران و مردم ما، هیچ‌یک اسلام را درک نمی‌کنند. منظور از درک اسلام، توانایی تفسیر یک حدیث ... یا حفظ قرآن نیست. ما تنها زمانی اسلام را درک می‌کنیم که بتوانیم مفاهیم پویای آن را در جامعه معاصر عملیاتی کنیم (گرهلم، ۱۳۸۸).

سردار در کتاب *آینده تمدن اسلامی*، به ترسیم خطوط کلی برای وصف چگونگی عملیاتی کردن اسلام می‌پردازد و تفکیک مفاهیم پویای اسلامی را نخستین گام در این جهت برمی‌شمرد. این مفاهیم را در آن چه سردار «چارچوب ارجاع مطلق» می‌نامد یا همان قرآن و سنت باید یافت. به زعم سردار، قواعد تغییرناپذیر و ازلی اسلام در قرآن آمده است. این کتاب، دستوالعمل‌های اساسی و قواعد تعامل انسان‌ها و نیز چارچوب نظری پارامترهای تمدن اسلامی را در خود دارد. پیامبر ﷺ با اجرای این قواعد، تمدن خود را بنیان نهاد؛ بنابراین، سنت را به عنوان «اسلام در عمل» می‌توان نگریست:

در عملیاتی کردن قواعد قرآنی، سنت نقشی حیاتی دارد. کلمه سنت در اصل به معنای راه کوبیده شده^۱ است. سنت پیامبر، الگویی از اسلام عملی محسوب می‌شود. پس مطالعه سنت برای تصحیح شناخت قرآن ضروری و حیاتی است (همو).

از نظر سردار، این چارچوب ارجاع از درون مطلق است که از نظام ارزشی اسلام مشتق می‌شود. ویژگی‌های معرف این نظام ارزشی، میانه‌روی و اعتدال است. «مادیات، معنویات و عقلانیت»، سه جنبه اصلی تمدن هستند و ویژگی بارز تفکر اسلامی، رسیدن به تلفیق متعادلی از این سه است. البته از نظر سردار، اسلام جواب حاضر و آماده‌ای به مشکلات بشر نمی‌دهد، بلکه دیدگاهی اخلاقی دارد که از درون آن، مسلمانان باید برای یافتن پاسخی برای مشکلات بشر تلاش کنند.

در رویکرد برنامه‌ای طرح عمران، روش کار بر اساس فرآیند ترکیبی «نگاه رو به جلو» و «برنامه‌ریزی دقیق» است. البته به اعتقاد سردار، این کار را با رویکردهای مختلفی می‌توان انجام داد. نخستین رویکرد، توسعه نظام روش شناسانه و پژوهشی موسوم به «نظام ورد»^۲ است (Sardar, 1988). هدف این نظام، باید گسترش فرآیند استدلال (اجتهاد) در دانش و تفکرات و احیای کارکرد شریعت در روش شناسی حل مشکل باشد. در ضمن از این نظام، به عنوان ابزار و مکانیزمی هوشمند در ایجاد اجتهاد می‌توان استفاده کرد. کل این فرآیند از طراحی مدل مدینه تا ارزیابی محیط فعلی و آینده ممکن (گام‌های اول تا چهارم طرح) تنها در صورتی شدنی است که نهاد یا بدنه پژوهشی، تلاشی منسجم صورت دهند. سردار از این موضوع با عنوان «اجتهاد نهادینه شده»^۳ به معنای همکاری علمای سنتی و دانشمندان مسلمان امروزی برای انتفاع امت یاد می‌کند (Sardar, 1988: 187).

رویکرد دوم به طرح عمران، بر استقرار چشم‌اندازی برای نظام اسلامی مبتنی است. این چشم‌انداز باید دربرگیرنده دورنماهای بلند و میان مدت و نیز مأموریت‌های کوتاه مدت باشد. رویکرد سوم به طرح، بر اساس فرآیند برنامه‌ریزی برای نظام اسلامی است. به علاوه این رویکرد، باید دربرگیرنده برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت نیز باشد (Sardar, 1988). تلاش این سه رویکرد که سردار همگی را به طور مبسوط توضیح می‌دهد، تغییر مطلوب در جوامع اسلامی در جریان حرکت به سوی آینده‌ای بهتر است.

۱. منظور از راه کوبیده شده، راهی است که بر اثر تکرار عبور پیوندگان، شکل گرفته است.

۲. ورد سیستم (Warrd System) که در زبان عربی ورد به معنای گل است.

3. Institutionalized Ijtihād.

چنین ایده‌آل‌گرایی آینده‌پژوهانه‌ای، به‌طور انحصاری حاصل تراوشات فکری سردار نیست. در واقع اصطلاح مدینه فاضله اجتماعی، در دوران شکوفایی جامعه اسلامی و در امپراتوری عثمانی طرح شد (Schulze, 2002). از گذشته دور تا کنون، بسیاری از رهبران و متفکران اسلامی، تلاش‌های مجددانه‌ای در جهت اتحاد دوباره امت اسلامی داشته‌اند. جنبش‌هایی از این دست که انقلاب اسلامی ایران از جمله مصادیق آن به‌شمار می‌رود، به شکل‌گیری نهادهایی در سطوح مختلف همچون سازمان کشورهای اسلامی انجامیده است که در شکل ایده‌آل خود، به احیای حکومت جهانی اسلامی می‌تواند بینجامد و این همه، خود دلالتی است بر دغدغه ذهنی مسلمانان در تشکیل چنین امتی، به‌رغم تمامی ناکامی‌های پشت سر هم!

با این همه، آینده‌آل‌سردار از آن جهت شایسته‌قدردانی است که تلفیق صریحی از رویکردهای نظری و عملی به‌شمار می‌آید که هدف اصلی آن کمک به فرآیند سیاست‌گذاری است. جنبه نظری آینده‌آل‌سردار را در بحث مدل مفهومی شکل و واقعیت جامعه مدنی می‌توان دید که جنبه‌های عملی در طرح برنامه‌ریزی شده عمران، نظام ورد و فرآیندهای برنامه‌ریزی تبلور یافته است.

به‌رغم دست‌آوردهای خیره‌کننده این طرح برنامه‌مند برای حل مشکلات امت، سردار مدعی است که این پیشنهاد با اقبال آن‌چنانی از سوی امت اسلامی، به‌ویژه رهبران و اندیشه‌وران مواجه نشده است.

د) جامعه مطلوب اسلامی از دیدگاه سردار

سردار در مصاحبه با روزنامه جاکارتا پست^۱ در پانزده اکتبر ۲۰۰۶ در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می‌کند بهشت وجود دارد، اظهار می‌کند: «هم بله و هم نه!» در ادامه چنین توضیح می‌دهد: «پیش از هر چیز، به عنوان مسلمان، ما برایین باوریم که باید در برابر اعمال خود در این دنیا پاسخ‌گو باشیم. در سنت اسلامی، وصف‌های مختلفی از بهشت دیده می‌شود. اما در قرآن کریم، بهشت ساخت‌وساز بسیار متفاوتی و استعاری دارد. به زعم برخی، بهشت فقط اصطلاحی برای مکانی انتزاعی در آخرت است که البته من نیز با آن موافقم. اما از دید من، در حال حاضر هم بهشت وجود دارد. ما معمولاً به دنبال بهشت به عنوان معنایی ذهنی هستیم. این موضوع منحصر به مسلمانان نبوده، در فرهنگ غربی نیز با ایده‌هایی مثل

1. The Jakarta Post.

آرمان شهر توماس مور و تلاش برای مدینه فاضله مواجهیم. بهشت من، نه جایی آرمانی به تمام معنا، بلکه مکان واقعی انسان است؛ جایی که در آن عدالت، قانون و اخلاق غالب است.»

در ادامه و در جواب این پرسش که آیا تمامی مسلمانان آن چنان که شایسته است با فردوس برین آشنا بوده و خود را برای آن آماده می‌کنند، معتقد است که همه مسلمانان مفهوم پاسخ‌گویی در برابر خدا را خیلی خوب فهمیده‌اند. اما نکته جالب این است که مسلمانان تصور چندان واضحی از پاسخ‌گویی در برابر دیگر انسان‌ها ندارند. به نظر می‌رسد مسلمانان، توجه چندانی به اموری مثل حقوق زنان، برابری جنسیتی و یا ریشه‌کنی فقر و یا توسعه اقتصادی ندارند.

به زعم سردار، رضای پروردگار، هدف نهایی همه مسلمانان است. به این ترتیب، بهشت فارغ از رضای الهی معنا ندارد و بنابراین، در این دنیا نیز با کار نیک و درست می‌توان رضایت خداوند را فراهم کرد و برای خود بهشت آفرید. بهشت بعد از مرگ نیست (www.ziauddinsardar.com).

۲. افکار و اندیشه‌های مهدی المانجرا

الف) مروری بر زندگی و آثار المانجرا

مهدی المانجرا، در سال ۱۹۳۳ میلادی در شهر رباط مراکش به دنیا آمد. او در سال ۱۹۵۰ در دانشگاه کورنل آمریکا در شهر نیویورک مشغول به تحصیل شد و چهار سال بعد مدرک کارشناسی خود را اخذ کرد. سپس به دانشگاه علوم سیاسی و اقتصادی لندن رفت و در سال ۱۹۵۷ با مدرک دکتری اقتصاد از آن دانشگاه فارغ‌التحصیل گردید. پس از آن یک سال به عنوان استادیار در دانشگاه رباط به تدریس مشغول شد. اما از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ بار دیگر به نیویورک بازگشت و بر مسند رایزن سیاسی مراکش در سازمان ملل متحد تکیه زد. اما این بار هم زیاد در نیویورک دوام نیاورد و یک سال بعد به وطن بازگشت و ریاست سازمان صدا و سیما را پذیرفت. پس از یک سال خدمت در مراکش، دوباره بار سفر بست و راهی یونسکو شد. او از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۶ یکی از مدیران ارشد یونسکو بود.

وی چندین کتاب و نزدیک به پانصد مقاله به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی به چاپ رسانده و در مؤسسات آینده‌پژوهی مطرح جهان مانند باشگاه رم و فدراسیون مطالعات آینده‌پژوهی جهان نیز فعالیت کرده است.

ریاست فدراسیون جهانی آینده پژوهی،^۱ موسسه بین المللی «فیوچریبلز» پاریس،^۲ مدیر انجمن آینده پژوهی مراکش^۳ و سازمان حقوق بشر مراکش^۴ در کارنامه المانجرا درج شده است. او عضو فرهنگستان علوم افریقا^۵ و فرهنگستان سلطنتی مراکش^۶ است. علاوه بر این، المانجرا در سال ۱۹۹۸ به عنوان استاد مدعو دانشگاه توکیو و در سال ۱۹۹۹ در مقام دانشمند مدعو انجمن ترویج علوم ژاپن^۷ در دانشگاه «کی زایی» توکیو^۸ ایفای وظیفه کرده است (www.elmandjra.org).

المانجرا بالغ بر چهارصد مقاله در زمینه علوم اجتماعی و انسانی منتشر کرده است. وی در نگارش کتاب هیج محدودیتی در یادگیری نیست، همکاری داشته و نیز چند کتاب از جمله: نظام ملل متحد^۹، مغرب و فرانکوفونی^{۱۰}، جنگ تمدن برتر^{۱۱}، آینده گذشته نگر^{۱۲}، شمال - جنوب^{۱۳}، سرآغاز یک استعمار^{۱۴}، تنوع فرهنگی کلید بقا^{۱۵}، گفت و گو درباره ارتباطات^{۱۶}، فرهنگ استعمارزدایی: چالش قرن ۲۱^{۱۷}، قدس عربی^{۱۸}، مسیر یک ذهن^{۱۹}، جهانی سازی دوباره جهانی سازی^{۲۰}، انتفاضه^{۲۱} و تحقیر در عصر فرااستعمار^{۲۲} (en.wikipedia.org).

وی در سال ۱۹۸۴، مدال افتخار فرهنگستان معماری فرانسه،^{۲۳} در سال ۱۹۸۵، نشان افتخار هنر و ادبیات فرانسه^{۲۴} و در سال ۱۹۸۶، نشان خورشید تابان^{۲۵} ژاپن را دریافت کرد. در سال ۱۹۹۵ نیز مدال صلح فرهنگستان بین المللی آلبرت انیشتین^{۲۶} و جایزه فدراسیون جهانی آینده پژوهی را از آن خود نمود (www.elmandjra.org).

1. World Future Studies Federation.
2. Futuribles International of Paris.
3. Moroccan Association of Futures Studies.
4. Moroccan Organization of Human Rights.
5. African Academy of Sciences.
6. Academy of the Kingdom of Morocco.
7. Japanese Society for the Promotion of Science (JSPS).
8. Tokyo Keizai University.
9. United Nations System.
10. Maghreb et Francophonie.
11. Premiere Guerre Civilisationnelle.
12. Retrospective des Futurs.
13. Nord-Sud.
14. Prelude a l'Ere Postcoloniale.
15. Cultural Diversity Key to Survival.
16. Dialogue about Communication.
17. Decolonisation Culturelle: Defimajeur du 21e Siele.
18. Al-Quds Al-Arabi.
19. Path of a Mind.
20. Reglobalization of Globalization.
21. Intifadate.
22. Humiliation à l'ère du méga-impérialisme.
23. Grand Medal of the French Academy of Architecture.
24. The distinctions of Officer of the Order of Arts and Letters.
25. Order of The Rising Sun.
26. Peace Medal of the Albert Einstein International Academy.

المانجرا در دوران حرفه‌ای و علمی خود، پست‌های مهم بسیاری همچون ریاست فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی (۱۹۷۷-۱۹۸۱)، ریاست مؤسسه بین‌المللی فیوچرینلز (۱۹۸۱-۱۹۹۰) و ریاست کلوپ رم (استعفا به سال ۱۹۸۸) را بر عهده داشته است. در ضمن او عضویت در مؤسسات مختلفی همچون فرهنگستان سلطنتی مراکش، فرهنگستان جهانی علوم و هنر،^۱ فرهنگستان جهانی آینده‌نگری اجتماعی،^۲ انجمن اقتصاددانان مراکشی،^۳ انجمن فلسفه مراکش^۴ و انجمن تاریخ‌دانان مراکشی^۵ را در کارنامه دارد. با توجه به این پیشینه درخشان مشارکت در جامعه جهانی، مرکز بین‌المللی زندگی نامه‌ای،^۶ وی را در فهرست دو هزار دانشمند برجسته قرن بیستم جای داد (www.elmandjira.org).

ب) جامعه مطلوب اسلامی از دید المانجرا

اسلام، چشم‌اندازی از حیات زمینی و اخروی است. پیام اسلام به بشریت این است که در جست‌وجوی سرنوشت خویش، در کارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رویکردی پویا داشته باشند. بی‌شک، تغییر و تحول از ضروریات شکل بخشیدن به آینده‌ای بارور است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند (رعد: ۱۱).

پیامبر اکرم ﷺ نیز همیشه نگاهی معطوف به آینده داشتند و نگاهشان به گذشته، با رویکرد عبرت‌آموزی بود. اسلام چشم‌اندازی اکتشافی از زندگی دنیوی و اخروی (مادی و معنوی) است و چشم‌انداز ما، کردار ما را مشخص می‌کند؛ کرداری که به خاطر آن باید در برابر خود، جامعه و حق تعالی پاسخ‌گو باشیم. مؤمن، در انجام دادن هر کار، به پیامدهایی می‌اندیشد که در زندگی و قیامت، در محضر پروردگار برای او دارد (المانجرا، ۱۳۸۴). وی بارد ترویج جبر و تقدیرگرایی در تعالیم اسلامی، برای فرد و جامعه، نقشی فعال در نظر می‌گیرد.

ج) موضوعات اصلی در تفکرات المانجرا

سرچشمه تفکرات آینده‌پژوهانه المانجرا، از منابع اسلامی متأثر است، به طوری که وقتی می‌خواهد درباره اهمیت مطالعه آینده و آینده‌پژوهی صحبت کند، به آیات ۸۶ تا ۸۸ سوره

1. World Academy of Art and Science.
2. World Academy of Social Prospective.
3. Moroccan Association of Economists.
4. Moroccan Association of Philosophy.
5. Moroccan Association of Historians.
6. International Biographical Center.

مبارکۀ نمل اشاره می‌نماید. وی با تأکید بر مباحث اسلامی دربارهٔ آینده، معتقد است که چند مفهوم وجود دارد که باید آن‌ها را فهمید. همچنان که او خلاصه‌وار اشاره می‌کند، از جملهٔ این مفاهیم، «غیب» با تعبیر قلمرو الهی و «مستقبل» با تعبیر برآوردی از ماحصل اعمال مردم است. در ضمن او بین مفاهیم بدعت و ابداع تفاوت قائل است، به این ترتیب که «بدعت، نوعی ایده یا نگرش مبتنی بر سرکشی در برابر باورهای اساسی اسلام است» و حال آن‌که «ابداع، نوعی نوآوری و تغییر در جهت بقا و توسعهٔ جامعه» است (Elmandjra, 1990).

دیگر مفهوم مهم، چشم‌انداز اسلامی زندگی زمینی و اخروی است. در همین زمینه، المانجرا واژهٔ تغییر را به عنوان عنصر ضروری برای آینده‌ای بهتر می‌داند. وی در ضمن، بر رفتار پیامبر اسلامی در رویکرد نگاه به جلو در زندگی و رسالت اشاره دارد و چنین نتیجه می‌گیرد که:

تمامی آیات قرآن، ما را به استفادهٔ هرچه بهتر از حال و آمادگی دقیق و هوشمندانه برای آینده فرامی‌خواند. منظور از آینده، مابقی زندگی ما در این دنیا و نیز جهان آخرت است. قرآن به ما سفارش می‌کند که برای آینده، برنامه‌ریزی کنیم و روی گزینه‌های مختلفی تدبیراندیشی داشته باشیم تا ظرفیت خود را برای الزامات آینده، ارتقا دهیم و رفاه خود را بهبود بخشیم. بنابراین، با آینده باید با رویکردی چندگانه و به صورت آینده‌ها برخورد کنیم و طیف وسیعی از انتخاب‌ها را برای خود باز بگذاریم... اسلام نوعی ایمان، راهی برای زندگی و نیز چشم‌اندازی اکتشافی از حیات دنیوی و اخروی است. در سرنوشت ماست که کردار خود را رقم زنیم تا در برابر خویش، جامعه و پروردگار پاسخ‌گو باشیم. مسلمان هر وقت کاری می‌کند، از تأثیر اقدام خود بر ادامهٔ زندگی و نیز تقدیر در حساب‌رسی نهایی آگاه است (Elmandjra, 1990: 2 - 3).

آینده‌پژوهی ایده‌آل المانجرا را از دو دریچه می‌توان بررسی کرد: بیش‌تر تلاش‌های او به عنوان مسلمان تکثرگرا، به آیندهٔ جهان اسلام و مسلمانان معطوف است، در عین حال نگاهی کلی نیز به آیندهٔ بشر دارد. این دوگانگی هدف در رفتار المانجرا، نشان می‌دهد که چطور جهان‌بینی اسلامی ایده‌آل‌ها و عقاید متفکران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به باور وی اسلام، عامل بسیار مهمی در تغییر و نوآوری است و بنابراین، نقشی حیاتی در تحول جوامع اسلامی بازی می‌کند. بر اساس دیدگاه وی، «آیندهٔ جهان اسلام به احیای اسلام، با ایمانی خلاق و نه تقلیدی کورکورانه بستگی دارد که همین تقلید، عامل سقوط تمدن درخشان اسلامی شد» (Elmandjra, 1990: 4).

به‌رغم این واقعیت که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش توانست تغییری اساسی در دنیای عرب جاهلیت ایجاد نماید، این موضوع بی‌نهایت غامض به نظر می‌رسد که چطور چنین نیروی

قدرتمندی، به یک باره نتواند دنیای عرب و اسلام امروز را تحت تأثیر قرار دهد و نسخه درمانی برای آن بیچد. بر این اساس، آینده پژوهی ایده آل المانجرا را که تحلیلی وابسته به آینده اسلام است، تحت سه زاویه می توان دید:

۱. مشکلات و آینده دنیای عرب؛

۲. مشکلات و آینده اسلام در اروپا؛

۳. مشکلات و آینده دنیای اسلام.

وی در تحلیل آینده دنیای عرب، آشکارا بر این موضوع تأکید دارد که «در حال حاضر، دنیای عرب بر سرنوشت خود هیچ تسلطی ندارد» (Elmandjra, 2004). او معتقد است که این واقعیت به دلایل متعددی صحت دارد که گذشته اعراب یکی از این دلایل است که هم اکنون و احتمالاً در آینده نیز آن را تحت تأثیر قرار می دهد.

به زعم المانجرا، برجسته ترین ویژگی دنیای عرب امروز، ماهیت کوچک سازی کشورهای این منطقه است که بی شک به یکی از مسائل غامض پیش روی منطقه تبدیل شده تا جایی که «۸۰٪ از جمعیت اعراب در هفت کشور توزیع شده است و حال آن که در هفت کشور دیگر، تنها ۲۰٪ از جمعیت اعراب ساکن هستند» (Elmandjra, 2004: 4). از دید المانجرا:

این تقسیم بندی ژئوپلیتیکی نتیجه برنامه استعمار انگلیسی - فرانسوی، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، شامل قرارداد سایکس - پیکوت^۱ در سال ۱۹۱۶، اعلامیه بالفور^۲ در مورد فلسطین به سال ۱۹۱۷ و معاهده آرمیستیک^۳ است که براساس آن، منطقه به چند امیرنشین جعلی و سرزمین هایی کوچک با چاه های نفتی تبدیل شد. نتیجه این تقسیم بندی، توزیع ناعادلانه درآمد سرانه در منطقه از کم تر از پانصد دلار در کشورهای هم چون سومالی، یمن و موریتانی تا بیش از بیست هزار دلار در امارت متحده عربی و کویت است. تصور مردم از ثروت دنیای عرب نیاز به اصلاح دارد. کل تولید ناخالص داخلی کشورهای عربی حتی از اسپانیا نیز کم تر و تنها یک چهارم تولید ناخالص داخلی کشور آلمان است (Elmandjra, 2004: 3).

بر این اساس، المانجرا اعتقاد دارد که نفت، مهم ترین دلیل مشکل اعراب است؛ زیرا منافع سیاسی - اقتصادی بسیاری را در سطح بین المللی برمی انگیزد. وی با توجه به این وضعیت، سه سناریوی مختلف را برای آینده پیشنهاد می کند: نخستین سناریو، «سناریوی تداوم و

1. Sykes-Picot Agreement.
2. Balfour Declaration.
3. Armistice Treaty.

ثبات^۱ است که بر ادامه وضعیت موجود و اجرای طرح «ثبات» از دیدگاه امریکا (غرب) دلالت دارد. این سناریو یعنی دنیای عرب (اسلام)، همچنان زیر یوغ قدرت غرب خواهد ماند که به بیان دیگر، تداوم خطی «آینده استعماری» خواهد بود. سناریوی دوم، «سناریوی اصلاح طلبانه»^۲ است که در پاسخ به نیازهای جدید مردم و بیداری منطقه ای اتفاق می افتد و با کمترین ثبات همراه خواهد بود، ولی به سرعت باید تقویت شود. مهم ترین مسائلی که باید به آن ها اولویت داد، مشکلات مربوط به فقر، بی سوادی، اختلاف طبقات اقتصادی و آزادی بیان است. بنابراین، خبرگان تحصیل کرده یا اندیشه وران نقش عمده ای بازی می کنند و معضل بیگانگی فرهنگی این افراد باید حل شود. سومین گزینه، «سناریوی تحول»^۳ است که ترکیبی از سناریوها (فرآیندها) و ارمغان آور تغییر محسوب می گردد و به این ترتیب، موفقیت اقتصادی، عدالت اجتماعی و آزادی بیان تحقق می یابد (4 - 2: Elmandjra, 1991).

بنابراین، المانجرا برای حل مشکلات و در نهایت بازسازی دنیای عرب در آینده، بر استقرار نهادهای دموکراسی ملهم از چشم انداز و قدرت مردمی و نه وام دار فرهنگ فست فودی غرب تأکید می کند (Elmandjra, 2004). در ضمن او بر ضرورت توسعه بومی منبعث از ارزش ها، الهامات، نیازها و چشم اندازهای آینده تأکید می ورزد و معتقد است که این مهم، باید از طریق فرآیند مشارکت عمومی و با همکاری بخش اعظم جامعه اتفاق افتد. البته درباره دنیای عرب، اعتقاد دارد که آینده، تنها در صورتی متفاوت از حال حاضر خواهد بود که تغییرات بنیادی اتفاق افتد؛ وقتی برتری قدرت های فراامپراتوری کنونی خاتمه یابد و هند و چین به قدرت های برتر جدید تبدیل شوند (Elmandjra, 2004).

دومین و سومین رویکرد تحلیلی المانجرا، به کارکرد دست کم دو عامل تعیین کننده مربوط است: آینده دنیای اسلام از یک طرف و آینده اروپا از طرف دیگر. به اعتقاد او، اجتماع مسلمانان ساکن کشورهای اروپایی اهمیتی همپای سایرین دارند. او از منظر پراکنندگی جغرافیایی، با تکیه بر شواهد واقعی، معتقد است که امروز و آینده اسلام هر دو در آسیا واقع می شود:

میزان باروری دنیای اسلام در مجموع کمی بیش تر از سه فرزند به ازای هر زن بوده و ۳۰٪ از این جمعیت کم تر از پانزده سال دارند. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، میزان باروری اروپای غربی، ۱/۶ است که زیر میزان جایگزینی بوده و تنها ۱۷٪ این جمعیت

1. Continuity and stability scenario.
2. Reformist scenario.
3. Transformation scenario.

زیر پانزده سال هستند. بنابراین، با مقایسهٔ هرم جمعیتی، می‌بینیم که مشکل نه تنها به لحاظ کمی، بلکه به لحاظ کیفی نیز هست؛ زیرا بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ اروپا به شانزده میلیون مهاجر نیاز خواهد داشت (Elmandjra, 2005: 5).

المانجرا با توجه به نیاز عظیم به نیروی کار صنعتی فعال برای حفظ جریان حاضر موفقیت‌های علمی - اقتصادی، چنین استدلال می‌کند که بی‌شک غربی‌ها برای رفع این احتیاج، به ناچار باید به جمعیت مسلمان ساکن در اروپا مشتمل بر ۷٪ در فرانسه، ۳/۹٪ در سوئد، ۳/۴٪ در آلمان، ۳/۴٪ در بلژیک، ۲/۷٪ در بریتانیا، ۲٪ در هلند، ۲٪ در دانمارک، ۱/۶٪ در نروژ، ۱/۴٪ در ایتالیا و ۱/۱٪ در اسپانیا متوسل شوند (Elmandjra, 2005: 5).

در ادامه، المانجرا مدعی است که حتی از آن مهم‌تر، تا سال ۲۰۱۸، در چند بخش از اراضی اروپا، تعداد مسلمانان از بومیان آن منطقه پیشی خواهد گرفت. از این رو، به زعم وی، «آیندهٔ مسلمانان در اروپا متأثر از این روند جدیدی خواهد بود که امید می‌رود با ارتقای درک و تحمل بیش‌تر در آینده، کم‌ترین حد کرامت انسانی تضمین شود. این کار زمان می‌برد؛ خیلی زیاد!» (Elmandjra, 2005).

بدین سان، از دید المانجرا مشکل، ادامهٔ حیات آیندهٔ اسلام نیست؛ زیرا شواهد تاریخی و شاخص‌های جمعیتی خلاف این امر را نشان می‌دهد. مشکل مهم‌تر، آیندهٔ اسلام در اروپاست که تا حد زیادی در دست‌ان خود آن‌هاست تا با کردار خود، ضمن احترام به قوانین کشور میزبان، با تلاش و شکیبایی، تصویر مخدوش اسلام در اذهان را مرمت کنند (Elmandjra, 2005).

در تحلیل بحث‌های کلی المانجرا دربارهٔ آیندهٔ اسلام، می‌توان دریافت که دغدغهٔ ذهنی او دست‌کم سه موضوع است:

۱. وضعیت عقب‌ماندگی حال حاضر جهان اسلام بر اثر نگرش و تفکرات منسوخ مسلمانان؛
۲. نیاز به دورنما و درکی تازه از منابع اصیل فرهنگی و بازخوانی قرآن منطبق با توسعهٔ امروز؛
۳. فقدان چشم‌انداز در جوامع مسلمان، به ویژه متناسب با مفهوم دموکراسی و مشارکت زنان در جامعه و توسعه:

در حال توسعه بودن، اصلی‌ترین ویژگی دنیای اسلام است... از بزرگ‌ترین کاستی‌های امروز دنیای اسلام، آن است که دولت‌های اسلامی، چشم‌انداز شفاف و روشنی از آینده و الزامات آن ندارند... ضعف دیگر، خودفراموشی و گرایش به تقلید

کورکورانه و اطاعت بی چون و چرا از غرب و توصیه‌های منابع اطلاعاتی بیگانه و رهنمودهایی است که تحت حمایت غرب و شرق به سوی ما سرازیر می‌شود... برنامه‌های توسعه در کشورهای ما برپایه تقلید کورکورانه از غرب بنا شده است و وابستگی زیادی به کمک‌های غرب دارد (المانجرا، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۵).

۳. مقایسه تفکرات ضیاءالدین سردار و مهدی المانجرا

بی‌شک بررسی و مقایسه دقیق آرا و نظریات این دو متفکر، اگر مستلزم مرور همه آثار آن‌ها نباشد، دست‌کم نیازمند تحلیل و بررسی آثار کلیدی ایشان در عرصه آینده‌پژوهی است. با وجود این، برای دست یافتن به اندیشه‌های محوری این دو، می‌توان راه میان‌بری نیز در نظر گرفت و آن این‌که از اظهارات و دیدگاه‌های موجز و صریح خود ایشان و همچنین از خلال نوشته‌ها و نقدهای دیگران در مورد ایشان، استفاده کرد. با این نگاه، مقاله حاضر تلاش نموده تا با استناد به اظهارات این دو پژوهش‌گرو سایر اسناد در دسترس، مقایسه‌ای اجمالی در زمینه آرا و اندیشه‌ها و رویکرد آینده‌پژوهانه آنان صورت دهد. موضوعات مورد بحث این دو آینده‌پژوه را اغلب در زمینه آینده‌پژوهی اجتماعی و سیاسی می‌توان دسته‌بندی کرد و لذا محورهای اصلی برای مقایسه اندیشه‌های ایشان، در چند محور کلیدی خلاصه شده است:

۱. مشخصات فردی و شخصیت علمی؛
۲. موضوعات اصلی مورد علاقه در بحث آینده جهان اسلام؛
۳. رویکرد نسبت به آینده و جامعه؛
۴. مبانی تفکر و اقدام برای آینده؛
۵. ویژگی‌های طرح پیشنهادی برای آینده اسلامی؛
۶. روش‌شناسی و شیوه پرداختن به آینده؛
۷. آینده مطلوب.

در نگاهی کلی به نظرها و طرح‌های این دو پژوهش‌گر، تشابهات و تفاوت‌هایی را می‌توان شاهد بود. به لحاظ مشخصات فردی، هر دو مسلمان و دارای تحصیلات دانشگاهی در غرب هستند. در پیشینه سردار، تحصیلات علوم دینی نیز مشاهده می‌شود، در عین حال، هر دو به میزان بالایی دارای آثار مکتوب هستند و در این آثار، به موضوع تحقیق حاضر یعنی آینده‌پژوهی و اسلام پرداخته‌اند.

آینده مسلمانان و جهان اسلام، موضوع مورد علاقه و مشترک بین این دو نفر است. در عین

حال مشاهده می‌کنیم که نگاه سردار، کلی‌ترو با تکیه بر اصطلاح امت اسلامی است و به همه مسلمانان بدون ترجیح یا تمرکز خاص نظر دارد؛ ولی المانجرا بر دو بخش جهان عرب و مسلمانان اروپا تأکید بیش‌تری می‌ورزد.

در رویکرد هر دو پژوهش‌گر، دو مفهوم کثرت‌گرایی (پلورالیسم) و پذیرش تفکرات و قرائت‌های مختلف از آینده و نیز توجه به دموکراسی و نقش مردم در ترسیم آینده، بارز است. البته المانجرا تأکید ظرفی بر دموکراسی غیرغربی دارد که در معنای آن، به خواسته‌های بومی و فرهنگ اسلامی مردم اشاره می‌کند؛ البته این اشاره، تشریح نشده است.

هر دو نفر در مبانی تفکر و اقدام برای آینده، به بهره‌گیری از منابع اسلامی (قرآن و سنت) تأکید دارند. نظام ارزشی اسلام برای هر دو منبعی برای تنظیم تفکرات و اقدامات است. به اعتقاد سردار، فرآیند اجتهاد برای استفاده در عصر حاضر باید توسعه یابد. البته المانجرا نیز این موضوع را به نحو دیگری مطرح می‌سازد. وی اعتقاد دارد، تغییر امری ضروری برای آینده محسوب می‌شود و ابداع در دین برای بهره‌مندی و پیشرفت جامعه، خوب و مفید است، ولی نباید در باورهای اساسی دین بدعت گذاشت. وی بر توسعه بومی تأکید دارد. در مقابل، سردار معتقد است که باید با رویکردهای نظری و عملی، آینده پژوهی را در هم آمیخت و از این آمیخته برای سیاست‌گذاری استفاده کرد.

ویژگی‌هایی که این دو برای طرح آینده مطرح ساخته‌اند تا حدودی به هم شبیه است؛ زیرا هر دو بر پویایی و انعطاف برنامه‌ها تأکید دارند و در این راه معتقدند که این برنامه‌ها باید منبعث از منابع دینی و فرهنگ اسلامی باشد. به علاوه، المانجرا به ضرورت دورنما اشاره می‌نماید؛ در حالی که سردار تأکید می‌کند که علاوه بر دورنماهای بلندمدت و میان‌مدت، باید مأموریت‌های کوتاه‌مدت را نیز در نظر داشت. همچنین سردار در تبیین دورنما، به بحث مدینه فاضله اشاره دارد که از دید اسلامی قابل تعریف و ترسیم است.

از نظر شیوه و روش پرداختن به آینده، تفاوت میان نگاه سردار و المانجرا دیده می‌شود. سردار روشی هنجاری (تجویزی) را مطرح می‌سازد که در آن نقطه عزیمت، تعریف و تبیین مدل مدینه فاضله - به عنوان آرمان‌شهر اسلامی - است. وی می‌گوید که باید مؤلفه‌های کلیدی تمدن اسلامی را نیز احصا نمود و نظریه‌های خود را در مورد آینده براساس این دو مرحله توسعه داد. البته از دید وی باید ارزیابی واقع‌گرایانه‌ای از محیط صورت داد و اهداف آینده را نیز از متن مردم و جامعه اسلامی بیرون کشید و سپس نقشه‌هایی برای رسیدن به چشم‌انداز و اهداف ترسیم نمود. در نهایت، او یک نظام بازخورد را توصیه می‌کند که از رهگذار

آن، به پالایش و بازنگری آینده‌های بدیل باید پرداخت.

ولی المانجرا، از ابتدا روش سناریویی را پیشنهاد می‌کند. او می‌گوید که تا وقتی نظام سلطه جهانی و قدرت‌های برتر تغییر نکنند، تغییر اساسی در جهان بعید است. او سه سناریو برای کشورهای عربی مطرح می‌سازد: نخستین سناریو، تداوم وضع فعلی در لوای تسلط جهانی غرب بر جهان عرب و اسلامی است. دومین سناریو، بر بیداری اسلامی و تغییر در حاکمیت کشورهای عربی بنا شده که باید به خواسته‌های مردم پاسخ‌گو باشد. سناریوی سوم نیز به تحول در نظامات حاکم و تغییرات بنیادی اشاره می‌کند. با وجود این، وی راه نجات را تکیه بر توسعه بومی مبتنی بر ارزش‌ها می‌داند و بستر تحقق آینده را دموکراسی مردمی غیرغربی پیشنهاد می‌کند.

در نگاهی کلی، رویکرد آینده‌پژوهی اسلامی را در مباحث این دو متفکر می‌توان شناسایی نمود. به‌رغم تلاش نظری اجمالی در فعالیت علمی دو اندیشه‌ور، هنوز چارچوب و الگوی مشخصی در چگونگی رویکرد به اسلامی‌سازی آینده‌پژوهی مشاهده نمی‌شود. ارجاع و استناد به منابع دینی چون قرآن و حدیث بسیار کلان و فاقد پشتوانه نظری در اسلامی‌سازی دانش آینده‌پژوهی است و مبنای خاصی را برای آینده‌پژوهی دینی عرضه نکرده‌اند. بدین جهت در بستر دانش غربی آینده‌پژوهی، به سراغ قرآن و روایات رفته‌اند.

نکته انتقادی دیگری را نیز به صورت مشترک در آثار این دو متفکر می‌توان مشاهده کرد. آن‌ها به آرمان‌شهری اسلامی در قالب جامعه موعود مهدوی که الهام‌بخش یک آینده‌پژوه مسلمان می‌تواند باشد و شاخص‌های کلان جامعه مطلوب را برای جوامع امروز اسلامی ارائه نماید، به‌طور جدی توجه نکرده‌اند. شاید این امر را در نگاه مذهبی سنی این دو متفکر بتوان یافت. به‌رغم اعتقاد مشترک شیعی و سنی به عنوان یک ایده قرآنی در باور به ظهور حضرت مهدی علیه السلام کارکرد انتظار در جوامع سنی کم‌رنگ است و بدین جهت، نمودی در تصویر آن‌ها از جامعه مطلوب آینده جوامع اسلامی نیافه است.

بی‌شک یکی از ارکان نگاه به آینده را به تعبیر جیمز دیتور (اسلاتر، ۱۳۷۸: ۱۴۰)، در تصور و تلقی ما از آینده می‌توان جست‌وجو کرد که در آینده‌پژوهی اسلامی، آرمان‌شهر مهدوی چنین تصویری از آینده را برای مسلمانان می‌سازد و می‌تواند الگوی جوامع ماقبل‌ظهور قرار گیرد.

در پایان، دیدگاه‌های مطرح شده را در چارچوب مؤلفه‌های مذکور می‌توانیم در جدول پیش رو نشان دهیم:

جدول ۱. مقایسه آرا و نظریات سردار و المانجرا در زمینه آینده جهان اسلام

مهورهای اصلی	ضیاءالدین سردار	مهدی المانجرا
مشخصات فردی	پاکستانی، دارای تحصیلات دانشگاهی فنی در انگلیس، دارای تحصیلات دینی، دارای ۴۰۰ کتاب و ۲۰۰ مقاله	مراکشی، تحصیلات دانشگاهی اقتصادی و سیاسی در انگلیس و امریکا، دارای نزدیک به ۵۰۰ مقاله و چند کتاب
موضوعات اصلی مورد علاقه و بحث	- آینده مسلمانان یا تمدن اسلامی - علوم اسلامی - رابطه اسلام و پسانوگرایی	- عالم غیب و مستقبل (آینده) - زندگی دنیوی و اخروی - مشکلات و آینده جهان اسلام و مسلمانان (و بشریت) - مشکلات و آینده دنیای عرب - مشکلات و آینده اسلام در اروپا
رویکرد به جامعه و آینده	- قائل به دموکراسی - قائل به کثرت‌گرایی	- قائل به دموکراسی - قائل به کثرت‌گرایی
مبانی تفکر و اقدام برای آینده	- قرآن و سنت - نظام ارزشی اسلام - تلفیق متعادل عناصر تمدن (مادیات، معنویات و عقلانیت) از منظر اسلامی - توسعه فرآیند اجتهاد - تلفیق رویکردهای نظری و عملی - آینده‌پژوهی برای کمک به فرآیند سیاست‌گذاری	- اتکا به منابع اسلامی (به ویژه قرآن) - ایمان خلاق (توأم با ابداع «مدوح»، نه بدعت‌گذاری «مذموم») - توسعه بومی
ویژگی‌های طرح پیشنهادی برای آینده	- تکیه بر جهان بینی و فرهنگ اسلامی - تغییر در نگرش مسلمانان و به ویژه متفکران اسلامی نسبت به مذهب برای احیای ارزش‌ها از طریق همکاری علمای سنی و دانشمندان - تعیین و تعریف مدل مدینه فاضله و جامعه مبتنی بر آن - برنامه‌ریزی منعطف و پویا برای آینده - در نظر داشتن دورنماهای بلندمدت و میان‌مدت توأم با مأموریت‌های کوتاه‌مدت	- نیاز به دورنما و درکی تازه از منابع اصیل اسلامی - رویکرد و نگاه سناریویی به آینده در قالب بررسی وضعیت‌های ممکن و مختلف - در نظر گرفتن اهمیت نقش و تأثیر اقدامات بر نتایج آینده و تقدیر - داشتن رویکرد پویا

<p>- سناریوهای آینده - تغییرات بنیادی در نظام سلطه و قدرت‌های جهانی - توسعه بومی مبعث از ارزش‌ها، الهامات و چشم‌اندازهای آینده - بازسازی مبتنی بر نهادهای دموکراسی مردمی غیرغربی - مشارکت عمومی جامعه در بازسازی آینده</p>	<p>- مدل مدینه فاضله (چشم‌انداز) - احصای پارامترهای تمدن اسلامی - خلق مدل‌ها، نظریه‌ها و پارامترهای مبتنی بر دو مرحله قبل - ارزیابی واقع‌گرایانه از محیط کنونی و برآورد محیط آینده - احصای اهداف از درون امت اسلامی - تدوین نقشه‌هایی برای رسیدن به مقصود و ارزیابی گزینه‌ها - پایش و بازنگری مستمر در بدیل‌های احصا شده قبلی</p>	<p>روش‌شناسی و شیوه پرداختن به آینده</p>
<p>- آینده موعود، همان چشم‌انداز دنیوی و اخروی به شمار می‌آید که اسلام تبیین نموده است. - آینده برآمده از اعمال مردم است و از دید المانجرا هم دارای بعد دنیوی است و هم اخروی. - آینده مطلوب چیزی از پیش آفریده نیست، بلکه نتیجه اعمال مردم در چارچوب خواست خداوند است.</p>	<p>- آینده مطلوب، همان آرمان شهری این جهانی است که در نظریه‌های غربی نیز شبیه آن مطرح است. - آرمان شهری که سردار و صف می‌کند، آرمان شهری به معنای خوب مطلق نیست، بلکه چیزی است ساخته خود انسان که در آن احساس خوش بختی و رضایت می‌کند. - غایت آرمان شهر اسلامی در بهشت تجلی می‌یابد اما بهشت از دید سردار مفهومی دنیایی نیز دارد.</p>	<p>آینده مطلوب</p>

منابع

۱. اسلاتر، ای. ریچارد، و همکاران، *نواندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه: عقیل ملکی فرو و همکاران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۷۸ ش.
۲. قراملکی، احد فرامرزی، «فرآیند عملیاتی مطالعه تطبیقی»، *روزنامه رسالت*، ۲۵ مهر ۱۳۸۶ ش.
۳. _____، «کارآیی و اثربخشی در مطالعات تطبیقی ادیان»، *مجله پژوهش و حوزه*، ش ۲۶، ۱۳۸۵ ش.
۴. المانجرا، مهدی، *آینده‌های دنیای اسلام: آینده پژوهی در جهان اسلام: نیازها، واقعیت‌ها و دیدگاه‌ها*، ترجمه: سیاوش ملکی فر، تهران، انتشارات اندیشکده آصف، ۱۳۸۴ ش.
۵. سیدامامی، کیکاووس، *پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات‌گر، تفسیری و انتقادی*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
۶. گرهلیم، توامی، «درباره اکبر احمد و ضیاء‌الدین سردار: دو روشنفکر مسلمان در غرب پست مدرن»، ترجمه: وحید ولی زاده، *روزنامه جام جم آن‌لاین*، ۸ خرداد ۱۳۸۸ ش.
۷. کریشن، کومار، *روش‌های پژوهش در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی*، ترجمه: فاطمه رهادوست و فریبرز خسروی، تهران، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲ ش.
8. Elmandjra, Mahdi "The Future of the Islamic World", Symposium on "The Future of the Islamic World", Algiers, 4-7 May, 1990.
9. _____, "The Future of the Arab World: Three Scenarios", Al-Alam, Rabat, 2nd January, 1991.
10. _____, "How Will the Arab World be Able to Master its Own Independent Developments?" Kyodo News, 25 September, 2004.
11. _____, "What Future for Islam in Europe?" conference organised by the Valencia Chapter of the Club of Rome and the Islamic Cultural Center of Valencia, 15th September, 2005.
12. en.wikipedia.org/wiki/Arabic_language, 17/10/11.
13. Inayatullah, Sohail "Exploring the Futures of the Ummah: A Review of Simulation Models and Approaches to the Study of Alternative Futures", American Journal of Islamic Social Sciences, No. 15, Vol. 1, 1998.
14. Sardar, Ziauddin "Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come", London: Mansell Publishing Ltd, 1985.
15. _____, "The Future of Muslim Civilization", Kuala Lumpur, Pelanduk Publications, 1988.
16. _____, "Natural Born Futurist", Futures, No. 28, Vol. 6, 1996.

17. _____, "Desperately Seeking Paradise: Journeys of a Sceptical Muslim", Granta Books, London, 2004.
18. Schulze, Reinhard "A Modern History of the Islamic World", London, I.B Tauris Publishers, 2002.
19. www.dipna.ir.
20. www.elmandjra.org/summary.htm, 07/01/09.
21. www.ziauddinsardar.com/10/01/09.
22. ziauddinsardar.com/2011/02.